

بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

حکمت
عبادات



آیت الله عبد الله جوادی آملی

جلسه سوم / تلاوت قرآن و حکمت آن

فهرست مطالب

۱	همراه با قرآن
۳	مجلای خدای سبحان
۴	معنای تجلی قرآن
۵	تجلی ملک الموت
۵	برترین حاملان قرآن
۷	تعلیم و تعلم قرآن
۹	اعتصام به عهدنامه الهی
۱۲	زبان اهل بهشت
۱۳	حکمت تلاوت قرآن



تلاوت قرآن و حکمت آن

همراه با قرآن

اما حکمت تلاوت قرآن این است که انسان، قرآن را به گونه‌ای تلاوت کند که معبود را مشاهده نماید. مرحله نازل مشاهده معبود آن است که در صفحه ضمیر و قلب عابد، چیزی جز علاقه به معبود نباشد. و انسان می‌تواند به خوبی تشخیص دهد که آیا در قلبش چیزی جز خدا هست یا نه؟

امام سجاد^(ع) فرمود: «لو مات من بین المشرق والمغرب لما استوحشت بعد ان یکون القرآن معی»^۱ اگر همه مردمی که بین مشرق و مغرب عالم وجود ندارد از بین بروند و کسی روی زمین نباشد و من تنها باشم، چنانچه قرآن با من باشد هرگز احساس وحشت نمی‌کنم.

یعنی اگر همه عالم کافر شوند و قرآن با من باشد هرگز احساس ترس نمی‌کنم. مرگ در حقیقت همان مرگ روح است و انسان کافر حقیقتاً مرده است. از نظر قرآن کسانی زنده‌اند که دین خدا را قبول کنند: «لینذر من کان حیاً و یحق القول علی الکافرین»^۲

حضرت می‌فرماید: اگر همه کافر شوند برای ما تفاوتی ندارد ما از هیچ کس هراس نداریم چون انسان در نبرد با کافر، چیزی را از دست نمی‌دهد که جبران‌پذیر نباشد تنها از عالم محدودی به جهان ابد پر می‌کشد و این جای نگرانی ندارد؛ کسی که برای انتقال از عالم طبیعت به ماواری آن هراسی ندارد، از کفر جهانی هم واهمه‌ای به خود راه نمی‌دهد.

حکمت عبادت آن است که عابد معبود را در ضمیر خود مشاهده کند طی این راه نیز محال نیست بلکه شرایط، آداب و احکامی دارد تلاوت قرآن نیز عبادت است. برای این که به مرحله مشاهده معبود راه یابیم باید تا می‌توانیم بر چشم و گوش خود کنترل داشته باشیم، هر کس باید مواظب باشد که جز وظیفه شرعی چیزی انجام ندهد محیط کار و محیط منزل را با غفلت از خدا آلوده نسازد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۰۲

۲. سوره یس، آیه ۷۰

وقتی انسان قرآن تلاوت می کند، آنگاه که صاحب کلمات آن را با چشم دل مشاهده کرد، به حکمت تلاوت قرآن رسیده است.

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می شود و دین در آن خانه حاکم است، برای فرشتگان، مانند ستاره‌های آسمان برای اهل زمین نورافشانی می کند^۳؛ همانطور که انسان هنگام دیدن فضای باز، بعضی از جاها را تاریک و بعضی را روشن می بیند خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می شود و دین در آن حاکم است برای اهل آسمان نورافشانی می کند.

اگر انسان توانست خانه و مرکز کار و محیط زیست خود را اینچنین روشن کند، کم کم نیل او به مقام عالی آسان می شود. گرچه در ابتدا سخت است؛ اما بعدها متوجه می شود که حرفهای باطل کم کم انسان را می رنجاند. گاهی انسان مسائل عقلی و معارف را با گروهی در میان می گذارد، چهره آنان گرفته می شود؛ چون در ذایقه آنها تلخ است. اما خود او از این کلمات لذت می برد، آنگاه اگر در جمعی بنشیند که همه اش گفتن و شنیدن و خندیدن و خندانند است، رنج می برد حال که انسان می تواند به هر نحو روح خود را تربیت کند، پس چرا او را از راه خوب پرورش ندهد؟ چرا روحش را به کارهای خود عادت ندهد؟

کسی که به باطن قرآن رسید و آن را خوب تلاوت کرد، فضای منزلش نورانی خواهد شد. باز در این زمینه رسول خدا^(ص) فرمود: «تَوَرَّأَ بِيَوْمِكُمْ بِتَلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُواهَا قَبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى، صَلَّوْا فِي الْكِنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بِيَوْمَتِهِمْ»^۴ خانه‌هایتان را با خواندن قرآن روشن کنید. اگر عده‌ای با هم در محلی زندگی می کنند که نه آثار علمی دارند، و نه خدمتی به اسلام و مسلمین می کنند، آنجا دیگر خانه نیست؛ بلکه مقبره‌ای خانوادگی است که عده‌ای مرده در آنجا هستند. اگر اثری از این خانه برنخیزد، تبدیل به مقبره خانوادگی می شود. بگذارید از خانه شما به جامعه نور برسد. مانند یهودیه‌ها و مسیحیه‌ها نباشید که در خانه عبادت نمی کند و فقط در کنیسه، آن هم در زمان مشخص؛ بلکه عبادت‌های عمومی را در مسجد و عبادت‌های خصوصی را در منزل انجام دهید.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۳۶

۴. همان، ج ۲، ص ۶۱۰

مجلای خدای سبحان

اگر خواستیم ببینیم به حکمت تلاوت قرآن رسیده‌ایم یا نه، باید ببینیم آیا متکلم را در کلامش مشاهده می‌کنیم یا نه؟ وقتی عابد به حکمت عبادت راه می‌یابد که جز معبود را مشاهده نکند و این خود ارکانی دارد، رکن اساسی، آن است که انسان چیزی جز حق را دوست نداشته باشد. کسی که از غیر حق دست بشوید و جز حق را در دل راه ندهد نگران نیست چون چیزی که از دست رفتنی است مورد علاقه او نیست و آنچه مورد علاقه اوست از دست رفتنی نیست لذا عارف، نه اندوهی به سراغش می‌آید و نه غمی او را فرامی‌گیرد.

در احوالات امام سجاد^(ع) است که: «کان^(۵) اذا قرء مالک یوم‌الدین یکررها حتی کاد ان یموت»^(۶) آن حضرت هرگاه آیه «مالک یوم‌الدین» را تلاوت می‌کرد آنقدر تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان از بدنشان مفارقت کند.

یکی از آداب تلاوت قرآن این است که وقتی به جمله «یا ایها الذین امنوا» رسیدیم، بگوییم «لبیک»؟ یعنی خطاب فعلی است و هم اکنون نیز ما مخاطب کلام خدا هستیم. انسان «لبیک» را به منادی می‌گوید، معلوم می‌شود این خطاب اکنون نیز کلام‌الله است و خدا در این کلام ظهور می‌کند و آنچه انسان می‌خواند کلام‌الله است که از این زبان و دهان شنیده می‌شود.

امیرالمؤمنین^(ع) فرمود: «فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر ان یکونوا رأوه»^(۷). یعنی، خدای تعالی در این کتاب برای بندگان تجلی کرده و آنان کتاب خدا را می‌نگرند و می‌خوانند، ما خدا را نمی‌بینند.

۵ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۲

۶ . معجزة الیضاء، ج ۲، ص ۲۲۸

۷ . نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

معنای تجلی قرآن

یکی از بهترین و ظریف‌ترین تعبیرات در فرهنگ اسلامی، همان تعبیر ظریف تجلی است. معنای تجلی در قرآن و روایات چنین است که خدای سبحان حقیقتی را از جهان غیب تنزل داده، پایین آورده و برای ما تبیین کند.

تجلی غیر از تجافی است. قرآن در ماه رمضان نازل شد؛ اما نه به گونه‌ای که باران از بالا می‌بارد. چون وقتی باران نازل می‌شود، به صورت تجافی است. یعنی چون بالا هست در پایین نیست و وقتی پایین آمد دیگر در بالا نیست. اما وقتی خدای سبحان می‌فرماید: در ماه مبارک رمضان قرآن را نازل کردیم، نزول قرآن مانند بارش باران نیست که وقتی پیش خداست، دیگر در دست ما نباشد؛ و وقتی به زمین آمد دیگر پیش خدا نباشد.

معنای «**أنا نزلناه فی لیلہ القدر**»^۸ و نیز معنای «**شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن**»^۹ چنین است که قرآن در این ماه تنزل کرد نه نزول. یعنی این حقیقت که نزد خدا بود و الان هم هست و همیشه خواهد بود، رقیق شد؛ تنزل کرد؛ به صورت لفظ درآمد تا انسان بتواند آن را بگوید، بشنود، بنویسد و بخواند.

مجتهد فقیه یا حکیم الهی نیز مطلبی منقول یا معقول را که جزء معارف بلند اسلامی است در عاقله خود می‌پروراند، آنگاه برای اینکه قابل استفاده دیگران هم باشد آن معنای بلند نقلی یا عقلی را تنزل می‌دهد و به صورت لفظ یا نقش کتاب، یا به صورت موج درمی‌آورد که با زبان بگوید، یا به نوشتاری تبدیل کند، این بدان معنا نیست که دیگر در عاقله و فکر او اثری نباشد. مطالب فقهی را به صورت مسئله ساده درمی‌آورد که هر منطقی بخواند و بفهمد در حالی که ملکه اجتهاد در جان و روح بلند او هست؛ زیرا آن ملکه اجتهاد را پایین نیاورده، بلکه آن حقیقت را تنزل داده و براساس همان حقیقت، الفاظ و معانی و مفاهیمی را به دیگران القا کرده است.

۸. سوره قدر، آیه ۱

۹. سوره بقره، آیه ۱۸۵

تجلی ملک الموت

حضرت سجاده^(ع) در دعای «ختم قرآن» که پس از فراغت از تلاوت قرآن خوانده می‌شود. از عظمت قرآن و برکات آن برای قاری سخن گفته است. تا آنجا که به خدای سبحان عرض می‌کند: «تجلی ملک الموت یقبضها من حجب الغیوب و رماها عن قوس المنایا باسهمهم وحشه الفراق»^{۱۰} روزی که فرشته مرگ، عزرائیل^(س) از پشت پرده‌های غیب برای قبض روح متجلی شود، در آن روز به ما رحم کن.

در اینجا از نازل شدن عزرائیل^(س) به عنوان تجلی یاد شده است که فرشته مرگ برای محتضر، تجلی می‌کند.

برترین حاملان قرآن

درباره تلاوت قرآن و عظمت مقام آن، در جوامع روایی ما کتابی است که مشتمل بر چندین باب است. مرحوم کلینی (رضوان الله علیه) نیز در کتاب ارزشمند «کافی» بخشی دارند، به نام «فضل القرآن»^{۱۱} و بابتی است به نام «فضل حامل القرآن»^{۱۲} که از بعضی روایات آن استفاده می‌شود انسانی که حامل قرآن باشد با فرشتگان محشور خواهد بود. نه چون یهودیان که تورات بر آنان تحمیل شد اما تورات را حمل نکردند.

قرآن درباره یهود می‌فرماید: «مثل الذین حملوا التوره ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا»^{۱۳} خطر یهودزدگی را در چند جای این سوره می‌بینیم، که مبدا یهودیت در بین

۱۰. صحیفه سجاده، دعای ۴۲

۱۱. کافی، ج ۲، ص ۵۹۶

۱۲. همان، ص ۶۰۳

۱۳. سوره جمعه، آیه ۵

مسلمین رواج پیدا کند. فرمود: شما با قرآن کاری نکنید، که یهودیها با توراتشان کردند، تورات را بر آنان تحمیل کردیم، ولی حمل نکردند؛ به آنان دادیم ولی نگرفتیم.

فضل و برتری از آن کسی است که قرآن را حمل کرده، معانی آن را بفهمد و احکامش را عمل و به آدابش مؤدب باشد؛ آنگاه به حکمتش پی ببرد. کسی که با قرآن چنین رفتار کند، حامل قرآن است.

امام صادق^(ع) فرمود: «الحافظ للقرآن العامل به مع السفره الكرام البرّه»^{۱۴} کسی که قرآن را بفهمد و به آن عمل کند با فرشتگان که سفرای الهی و اهل کرامت و نیکی اند محشور خواهد شد.

عظمتی که برای قرآن کریم ذکر شده نشانگر آن است که باطن قرآن در قیامت از صف مسلمانان و پیامبران و فرشتگان می‌گذرد. چون در قیامت صفوف فراوانی است. قرآن، مانند انسانی نورانی با چهره‌ای روشن، از کنار این صفوف می‌گذرد. هنگام عبور، افراد آن صف می‌گویند: ما او را به خوبی می‌شناسیم، او از ماست. ولی از مقام آنها هم می‌گذرد، تا به پیشگاه حضرت احدیت می‌رسد و...^{۱۵}

اینکه فرمود: کسی که قرآن را بفهمد و عمل کند، با فرشتگان مکرم محشور می‌شود، سرّش آن است که مسیر نزول وحی را فرشتگان کریم تأمین کرده‌اند «بایدی سفره * کرام برّه»^{۱۶} یعنی این کتاب به دست سفرای کرام بود سپس به دست شما رسید.

امام صادق^(ع) به نقل از رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «حمله القرآن عرفاء اهل الجنة»^{۱۷} حاملان قرآن چهره‌های شناخته شده و شناسای اهل بهشت‌اند.

۱۴ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۳، ح ۲

۱۵ . همان، ص ۶۰۱، ح ۱

۱۶ . سوره عبس، آیات ۱۵-۱۶

۱۷ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۶، ح ۱۱



تعلیم و تعلم قرآن

کسی که یادگیری قرآن برای او دشوار است، چنانچه دشواری را تحمل کرده یاد بگیرد، اجرش دوبرابر خواهد بود. و اگر حفظ و یادگیری قرآن برای او آسان است یک اجر می برد.

امام صادق (ع) طبق این نقل فرمود: «انّ الذی یعالج القرآن و یحفظه بمشقه منه و قلّه حفظ

له اجران»^{۱۸}

و نیز آن حضرت در جای دیگر فرمودند: «ینبغی للمؤمن ان لا یموت حتی یتعلم القرآن او یکون فی تعلیمه»^{۱۹} شایسته نیست که مؤمن بمیرد و قرآن را یاد نگیرد. او باید در تلاش باشد تا قرآن را بیاموزد.

همانطور که رزمنده در میدان نبرد یکی از سه حال را دارد، رزمنده در نبرد با جهل یا سایر رذایل نفسانی هم یکی از سه حالت را دارد: زیرا او در میدان جنگ یا شکست می خورد، اعم از اینکه فرار کند یا اسیر شود؛ یا پیروز می شود؛ یا در همان صحنه نبرد، شربت شهادت می نوشد.

در جنگ با جهل و دشمن درونی هم انسان این سه حالت را دارد: یا اسیر می شود یا شهید یا فاتح. اگر کسی در برابر خواسته‌ها و رذایل نفسانی تسلیم شد، اسیر هوش شده است. بعضی می گویند، هرچه دلم می خواهد انجام می دهم؛ معلوم می شود او در میدان نبرد علیه

۱۸ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۶، ح ۱

۱۹ . همان، ص ۶۰۷، ح ۳

کفر و جهل درونی، گریخته است و همین فرار کردن هم به دام کفر افتادن و اسیر شدن است. اگر در برابر حق ایستادگی کردیم، در جنگ با هوس شکست خورده و اسیریم. مانند اینکه کسی اعتراض حقی کرد ولی در برابر اعتراض او، عکس‌العمل حادی نشان دادیم.

از این رو کسی که همواره سعی کند به دام خواسته‌ها و رذایل نفسانی، که او را به گناه وادار می‌کنند، نیفتد، و در همین حالت بمیرد، در میدان جنگ با دشمن درونی «شهید» است. و اگر همه رذایل را رام کرده به طوری که دیگر در درون او وصفی نیست که او را برنجاند و او را به خود متوجه کند، این شخص در میدان جهاد اکبر فاتح است.

حال آیا ما در این میدان نبرد، پیروزیم یا لااقل شهید؟ یا، خدای ناکرده، به ذلت گناه تن می‌دهیم که هیچ ذلتی بدتر از ذلت گناه نیست؟

لذا معصوم^(س) فرمود: اگر انسان با جهل مبارزه کند و قرآن را یاد بگیرد تا جهل را رام کرده باشد، بدیهی است که در این جهاد اکبر فاتح شده است. یا اگر در حین یادگیری بمیرد، مانند کسی که در معرکه کشته شود شهید است.

اینکه در روایات آمده است اگر کسی در بستر بیماری بمیرد، وقتی به احکام حق معتقد باشد شهید است^{۲۰}، برای آن است که در میدان جنگ با هوس، تسلیم نشده است. اگر توفیق پیدا نکرد که همه امیال نفسانی را رام کند، حتماً به این درجه رسیده است که تسلیم آنها نشود. از این رو حضرت فرمود: «ینبغی للمؤمن ان لا يموت حتى يتعلم القرآن او يكون في تعليمه»^{۲۱} انسان سعی کند در نبرد با جهل یا فاتح و یا شهید شود و هرگز خود را اسیر جهل نکند.

البته اگر کسی قرآن را یاد بگیرد ولی بعد در اثر بی‌اعتنایی فراموش کند، احیاناً از ارتقا به درجات عالی‌تر باز خواهد ماند. روایات مبسوطی در این باره وارد شده است.^{۲۲}

۲۰. امالی شیخ مفید، ص ۷۴، مجلس ۷، ح ۵

۲۱. کافی، ج ۲، ص ۶۰۷، حدیث ۳

۲۲. ر.ک: کافی، ج ۲، ص ۶۰۷

اعتصام به عهدنامه الهی

امام صادق (ع) فرمود: «القرآن عهدالله الی خلقه فقد ینبغی للمرء المسلم ان ینظر فی عهده و ان یقرء منه فی کل یوم خمسین آیه»^{۲۳} قرآن عهدنامه الهی بر خلق خداست، شایسته است که انسان به عهدنامه خدا نگاه کند و شبانه روز لااقل پنجاه آیه بخواند. چون امام صادق (ع) فرمود: «النظر فی المصحف عبادہ»^{۲۴} نگاه به کلمات قرآن عبادت است.

تلاوت قرآن همیشه مستحب است ولی در ماه مبارک رمضان از ویژگی دیگری برخوردار است؛ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من قرأ فی شهر رمضان آیه من کتاب الله عزوجل کان کمن ختم القرآن فی غیره من الشهور»^{۲۵} عظمت ماه رمضان به این است که این ماه ظرف نزول قرآن قرار گرفته، حضرت می فرماید: تلاوت یک آیه از قرآن در این ماه برابری می کند با تلاوت همه قرآن در سایر ماهها.

این کتاب نظیر دیگر کتب نیست که اگر کسی معنایش را نداند، نخواند؛ بلکه خواندنش ثواب و برکت دارد. پس باید تلاش کرد تا معنایش را یاد گرفته به معارفش برسد. این کتابی نیست که کسی بتواند مانند آن سخن بگوید.

نهج البلاغه در فصاحت، شهره آفاق است ولی اگر جمله قرآن در خلال آن خطبه‌های بلند علی بن ابی طالب (س) قرار گیرد، درخشش خاصی دارد و کلمات آن حضرت را نمی شود در کنار قرآن کریم قرار داد. نیز اگر در میان خطبه‌های حضرت رسول (س) جمله‌ای قرآنی باشد، پیداست و می تابد. پس قرآن را با کلمات حضرت رسول (س) هم نمی شود سنجید.

۲۳ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۱

۲۴ . همان، ص ۶۱۴، ح ۵

۲۵ . بحار، ج ۹۳، ص ۳۴۱، ح ۵

قرآن طناب و ریسمان الهی معرفی شده است. «**واعتصموا بحبل الله جميعاً**»^{۲۶} همه به حبل الهی، که دین خدا و کلام خداست، تمسک کنید که این طناب به سقفی محکم و زوال ناپذیر مرتبط است. این طناب را بگیرید و به آن اعتصام کنید و از چاه، بالا بیایید. چون طناب قرآن یک طرفش به دست انسانها و طرف دیگرش به دست خداست.

انسان هرچه در قرآن کنجاوی بیشتری کند و درباره آیات آن بحث کند تا بفهمد، جا دارد تا به مقام «لقاءالله» برسد. این مقامی پیمودنی است و اعتصام به حبل الهی شکست ناپذیر و ناگسستنی است؛ چون «**لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه**»^{۲۷} هرگز از پیش و پس، چیزی این کتاب را باطل نمی کند.

پیدا است که آنگاه که انسان به حکمت قرآن و حکمت تلاوت رسیده که ببینید آن طرف طناب به دست کیست. لذا فرمودند: شبانه روز پنجاه آیه از قرآن کریم بخوانید، که با عهد الله در تماس باشید. برای اینکه روشن شود این قرآن طنابی است که یک طرفش به دست انسان و طرف دیگر آن به دست خداست.

آیات قرآن خزاین الهی است و تمام ناشدنی. امام سجاده^(ع) فرمود: «**آیات القرآن خزائن فکلما فتحت خزانه ینبغی لک ان تنظر ما فیها**»^{۲۸} هرگاه آیه ای باز شد شایسته است در این مخزن نگاه کنید و ببینید، چه درهائی در این خزینه هست. چنین نیست که بگوییم گفتنی ها گفته شده، چون امام باقر^(ع) می فرماید: «**یجرى مجرى الشمس والقمر**»^{۲۹} همانطور که آفتاب و ماه، شب و روز زندگی انسانها را نورانی می کند، قرآن هم در شب و روز، به انسانها نور می بخشد و هرگز فرسودگی و کهنه شدن در آیات آن راه نمی یابد. این بیان، از باب تشبیه معقول به محسوس است.

۲۶ . سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۲۷ . سوره فصلت، آیه ۴۲

۲۸ . کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۲

۲۹ . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱

از فرمایشات نبی گرامی اسلام^(ص) است که: دهان را خوشبو کنید زیرا دهان انسان، راه قرآن است. «طیبوا افواهکم فان طریق القرآن»^{۳۰} امام رضا^(ع) نیز از رسول اکرم^(ص) نقل می‌کند که فرمود: «افواهکم طرق من طرق ربکم فنظفوها»^{۳۱}. نه فقط دندان را مسواک کنید، بلکه دندان و زبان و فضای دهان را هم پاک کنید. هم از خوردن غذای شبه‌ناک بپرهیزید و هم از گفتن حرف مشکوک دوری کنید تا دهان شما شایستگی پیدا کند مجرای الفاظ قرآن گردد.

اگر قرآن، که کوثر و چشمه زلال است، از دهان لایه‌روبی نشده عبور کند بی‌اثر است؛ رنگ می‌گیرد و بو می‌پذیرد و چون می‌خواهید قرآن بخوانید و سخن شما در دیگران اثر کند و خودتان هم که می‌شنوید متأثر شوید، دهان را پاک نگاه دارید.

در حدیثی از رسول خدا^(ص) آمده است: «انّ هذا القرآن مأدبه الله فتعلموا مأدبه ما استطعتم»^{۳۲}. قرآن غذای آماده الهی است. قرآن سفره‌ای نیست که هرکسی غذای خود را همراه بیاورد و بر آن سفره بخورد. یعنی کسی حق ندارد خواسته‌های خود را بر قرآن تحمیل کند و برداشتهای خود را به حساب قرآن بگذارد؛ زیرا قرآن غذایی است آماده که هرکسی گرسنه معارف باشد از این غذا استفاده خواهد کرد.



۳۰ . کنز العمال، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۲۵۷۲

۳۱ . بحار، ج ۳۷، ص ۳۱

۳۲ . کنز العمال، ج ۱، ص ۶۲۵، ح ۶۵۳۲؛ بحار، ج ۹۸، ص ۹۱

زبان اهل بهشت

تلقین میت به عربی گفته می‌شود برای آن که بعد از مرگ باطن کسی که مسلمان باشد و برنامه قرآنی داشته باشد، ظهور می‌کند، عربی را می‌فهمد و به زبان عربی به خود سخن می‌گوید. از این رو زبان اهل بهشت عربی است.

نباید گفت کسانی که به عربی آشنا نیستند چگونه در بهشت سخن می‌گویند؛ زیرا زبان بهشت تابع عقیده اهل بهشت است و اصولاً زبان و چهره و اندام به قالبی درمی‌آید که مناسب قلب این شخص باشد. چطور عده‌ای به صورت انسان و عده‌ای به صورت حیوان محشور می‌شوند و عده‌ای صورتشان سیاه و گروهی صورتشان سفید است^{۳۳} صورت و لفظ و اندام و لغت و کلمات را باطن به عهده می‌گیرد، نه ظاهر. در قیامت عقیده به زبان می‌آموزد که این چنین سخن بگو.

خطیب بهشت، حضرت داود^(ع) خواهد بود؛ امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه فرمود: حضرت داود(س) قاری اهل بهشت است. «صاحب المزامیر و قاری اهل الجنة»^{۳۴}

آنچه در مرگ و پس از آن حاکم است عقیده است و اگر کسی به عقیده قرآن و اسلام از دنیا رفت یقیناً عربی سخن می‌گوید و یقیناً عربی را می‌فهمد.

۳۳. «يوم تبيض وجوهٌ و تسود وجوه..» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۶)

۳۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰

حکمت تلاوت قرآن

- حکمت تلاوت قرآن = قرآن را به گونه‌ای تلاوت کند که معبود را مشاهده نماید.
- مرحله‌ی نازل‌ه‌ی مشاهده معبود = در صفحه ضمیر و قلب عابد چیزی جز علاقه به معبود نباشد.
- شرایط لازم برای رسیدن به این مرحله = عمل به وظایف شرعی = روشنی خانه
- چگونه عابد به حکمت عبادت راه می‌یابد؟ وقتی که جز معبود را مشاهده نکند.
- ارکان
- رکن اساسی: انسان چیزی جز حق را دوست نداشته باشد.
- معنای تجلی در قرآن = یعنی حقیقت قرآن که نزد خدا بود و هست رقیق شد تنزل کرد و به صورت لفظ درآمد تا انسان بتواند آن را بگوید، بشنود و...
- برتری حاملان قرآن: در بعضی روایات = انسان حامل قرآن با فرشتگان محشور خواهد شد.
- حامل قرآن چه کسی است؟
- کسی که معانی قرآن را بفهمد و احکامش را عمل و به آدابش مودب باشد آنگاه به حکمتش پی ببرد.